



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۴۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

یکشنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۰۹ - ششم ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه : ۱۲ تومان  
 داخله : ۱۰ تومان  
 تك شماره : يكقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۰۹ \* ( ۶ ربیع الثانی ۱۳۴۹ )

## فهرست مذاکرات

- |   |   |
|---|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس                           | (۵) تقدیم ۵ فقره لایحه از طرف وزارتین امور خارجه و اقتصاد منی |
| (۲) تصویب ۶ فقره مرخصی                        | (۶) طرح و تصویب لایحه معافیت صدور غله از عوارض                |
| (۳) بقیه شور دوم لایحه بانک فلاحتی و تصویب آن | (۷) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                         |
| (۴) تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزارت داخله    |   |

مجلس يك ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز سه شنبه چهارم شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- |  |  |
|--|--|
| رئیس - آقای فیروز آبادی                  | رئیس - چند فقره راپرت از کمیسیون عرابض و     |
| فیروز آبادی - قبل از دستور               | مرخصی رسیده است قرائت میشود                  |
| رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - | خبر مرخصی آقای مفتی                          |
| خیر) صورت مجلس تصویب شد                  | آقای مفتی نماینده محترم تقاضای ۵ ۶ روز مرخصی |
| جمعی از نمایندگان - دستور                |  |

\* عین مذاکرات مشروح بکصد و چهل و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

- \* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : منک آرائی - امیر ابراهیمی - فراگوزلو - انسر - فرخی - محمد ولی میرزا - بیات ماکو - شهادت - عدل - سید مرتضی وثوق - اعظم زنگنه - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - مصباح فاطمی
- غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر طاهری - پوشهری - مسعود - شریعت زاده - جمشیدی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شبخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک - تیمور تاش
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان : نجومی - روحی - سید کاظم یزدی - دشتی - آشتیانی - عراقی - حکمت - ذوالقدر
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : فولادوند - اسدی - قوام - مسعود



برای انجام امور محلی نموده اند از تاریخ حرکت و کمیسیون هم با مرخصی ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم میدارد:

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده همین قدر میخواهم به آقایان اعضاء محترم کمیسیون عرایض عرض کنم توجه داشته باشید اواخر مجلس است و خیلی قوانین داریم و طوری نشود که مجلس از اکثریت بیافند توجه فرمائید که در مرکز هستند بلکه این عده که حاضر برای خدمت هستند ملاحظه کنید اگر این عده را ملاحظه کرده اید در کمیسیون عرایض بنده عرضی ندارم ولی اگر این را در نظر نگرفته اید توجه به این مسئله داشته باشید که یک دفعه مجلس از اکثریت می افتد و یک قانونی که خیلی مورد توجه است معطل می ماند.

زوار - کمیسیون عرایض کاملاً در نظر دارد که چون آخر دوره است مراعات بکنند که مجلس از اکثریت نیفتد خاطر نمایندگان محترم را مستحضر میسازم که کاملاً این نکته را در نظر گرفته است و بعلاوه آقای مفتی در این موقع خدمات عمده را در نظر دارند که تصور میکنم تشریف بردشان برای مملکت مفید تر است تا اینکه اینجا تشریف داشته باشند.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مفتی قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای حیدری قرائت میشود:

خبر مرخصی آقای حیدری

آقای حیدری نماینده محترم تقاضای ۵۵ روز مرخصی برای انجام امور محلی از روز حرکت نموده اند و کمیسیون با مرخصی ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظریاتم در عرایضی که می کنم چه در این مرخصی ها یا غیر مرخصی ها از نقطه نظر اصلاح حال مردم و مملکت می باشد که عرض میکنم

کرده بجهت انجام کار های خیر تنها این کافی نیست اگر کسی توانست راستی یک کار های خوبی بجهت این ملت این مملکت بکند باید پشت این تریبون گفته شود

ملک مدنی - عرض کنم چون آقای فیروز آبادی معتقدند که هر کس خدمتی میکند باید تظاهر باشد بنده هم باین جهت این عرض را میکنم ( شاید خود آقای آصف هم راضی نباشند ) ایشان در کردستان برای مریضخانه و مؤسسه شیرو خورشید یک اقداماتی میکرده اند و یک مبالغی از سرمایه خودشان را برای آنجا تخصیص داده اند حضرتعالی وکیل طهران هستید حضرت عبدالعظیم هم پشت دروازه طهران است هر روز هر اقداماتی که میفرمائید اینجا تذکر میدهید اگر یک وکیل در ولایات در محل خودشان مریضخانه - یا مدرسه تأسیس کرد بنا نیست که هر روز بیاید اینجا پشت تریبون وقت مجلس را بگیرد که من این نیت خیر را کرده ام همه نمایندگان که اینجا حضور دارند هیچ تردیدی نیست که همه دارای این نیت هستند ولی البته بنده حاضر نیستم اگر خواستم یک کمی بکنم پولم را از ولایات بیاورم خرج حوزه انتخابیه حضرتعالی بکنم البته مردم آنجا هم استحقاق دارند زیرا در مملکت ما مؤسسات خیریه لازم است و احتیاجات هم زیاد است ولی هر کس باید در دسترس خودش اقدام بکند و آقایان نمایندگان کردستان و آقای آصف هم همیشه هر موقع مرخصی گرفته اند از نقطه نظر احتیاجی بوده که مجلس هم ایجاب کرده است و هیچ وقت هم میل نداشته اند مجلس را ترک کرده باشند یا برای تفنن و هوا خوری و گردش بروند و ایشانهم فعلاً یک احتیاجی پیدا کرده است که الزام کرده است ایشان مسافرتی نکنند این است که تقاضای مرخصی کرده اند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای آصف قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای جمشیدی قرائت

می شود

خبر مرخصی آقای جمشیدی

آقای جمشیدی نماینده محترم تقاضای چهل و پنج روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و کمیسیون با مرخصی ایشان موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - من تعجب میکنم آقای ملابری صحبتی فرمودند مثل اینکه هر کس وکیل ملایر شد نباید برای طهران کار کند و حقوق تنها ملایر را باید حفظ کند در صورتیکه اینطور نیست ما باید حقوق افراد ملت و مملکت را در هر نقطه از نقاط دنیا هستند حفظ کنیم اگر وکیل این ملت هستیم بنده عقیده دارم که باید هر چه میتوانیم کار خیر کار خوب بکنیم شاید این جابگویند ریاکاری کنند عوام فریبی کنند اما عملش را هم نکنند! بلی بنده عوام فریبی می کنم ریا کاری میکنم اما کاری را هم که میکنم اینجا میایستم میگویم

ارکانی - اینجا موضوع از میدان در کردن نیست یک جائی است که حق داده است به نمایندگان محترم که بتوانند استفاده از مرخصی کرده باشند البته اشخاصی که کار دارند کسالت دارند امور محلی شان معوق است باید مرخصی بدهند و کمیسیون هم مساعدت بکند و اجازه بدهند که کارهایشان را انجام بدهند خوب البته اگر کسی بتواند همراهی کند با فقرا در هر نقطه از نقاط باید بکنند اخلاقاً و شرعاً این صلاح است و باید بکنند اما آقای جمشیدی یکی از عناصر صالحه و اشخاصی هستند که همیشه خدمت کرده اند و در این دوره ابداً مرخصی نگرفته اند وضعیات محلی ایجاب کرد که ایشان چند روزی مرخصی بگیرند من خواهش مندم آقا هم موافقت فرمایند که این مرخصی تصویب شود.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای جمشیدی قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)



رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای رحیم زاده قرائت میشود.

خبر مرخصی آقای رحیم زاده

آقای رحیم زاده نماینده محترم بواسطه کمالات تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت با پرداخت پنجاه تومان برای مقبره خیام نموده کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای رحیم زاده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای مجد ضیائی قرائت میشود.

خبر مرخصی آقای مجد ضیائی

آقای مجد ضیائی نماینده محترم تقاضای چهار روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و کمیسیون محترم با مرخصی ایشان موافقت کرده و خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتم همان عرایضی است که کردم و حالا مکرر نمیکنم ولی چیزی که هست امیدوارم دوره های بعد آقایان و کلاء عرایض بنده را در نظر داشته باشند و رعایت کنند حالا که اهمیت نمیدهند.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - این مخالفتها را آقای فیروز آبادی مکرر فرموده اند و جواب هم مکرر شنیده اند آقای مجد ضیائی هم از اول دوره مرخصی در خواست نکرده اند و حالا هم بواسطه يك کار لازمی است که مرخصی خواسته اند استدعا میکنم موافقت فرمایند و تصویب شود.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مجد ضیائی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

**۳ - بقیه شور دوم لایحه بانك فلاحتی**

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بیانك فلاحتی ماده ۱۲ مطرح است:

ماده ۱۲ - هرگاه استقراض کنندنده مدعی شود که مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استقراضی را برای انجام منظوری که در ضمن قرارداد اعلام

کرده بمصرف رسانده و یا مدعی باشد که تخلف او بعلت فرس مازور بوده است موضوع اختلاف به حکمیت ارجاع میشود - حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق تعیین شود و در اینصورت بانك نیز حکم خود را در ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون خواهد کرد حکمها باید در ظرف دو ماه رای خود را اعلام نمایند مدت حکمیت ممکن است بنظر حکمها یکدفعه تمدید یابد مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد چنانچه حکمها در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم نائی انتخاب نمایند که رای او قاطع اختلاف خواهد بود در صورتیکه در انتخاب حکم ناک بین حکمین توافق حاصل نشود حکم مزبور از بین شش نفری که در ابتدای تشکیل جلسه حکمیت (سه نفر از طرف حکم بانك و سه نفر از طرف حکم استقراض کنندنده حکمیت تعیین شده اند) بوسیله قرعه انتخاب خواهد شد حکم ناک باید در ظرف یکماه تصمیم خود را اعلام نماید.

مخارج حکمیت بهمه تقاضا کنندنده حکمیت خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف حکمها در این خصوص اتخاذ شود.

در هر حال محکوم له ادعای خسارت وارده بر خود را از محکوم علیه خواهد داشت تعیین میزان خسارت بسته بانظر هیئت حکمیت است.

حق دعوی خسارت یکماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در اصل دعوی ساقط خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك توجه بمسائل کتابی و تاریخی ما را وا میدارد در يك موضوعاتی وارد شویم و شاید بنظر هم ابهامی نباشد ولی این ماده را که بنده توجه میدهم خاطر محترم آقای وزیر امور خارجه صدر و ذیلش با همدیگر مشوب است مسئله حکمیت يك مسئله است که شاید تاریخ بشر خیلی قبل از این هم شهادت

میدهد که يك طریق عادلانه بوده است که اتخاذ کرده اند که بعد از اینکه منتهی بجائی نمیشود رجوع بحکمیت میکنند و خیلی بحسب فلسفه خوب قاعده است برای اینکه متحاکمین هر دو دارای يك حس انتقامی هستند و بعد از آن که رجوع دادند بحکم آن حکم دارای آن حس انتقام نیست آن حکم نسبت به این حس انتقام بری است آنوقت است که نزدیک بعدالت حکمی میدهد این نزدیک بفلسفه عدالت است لیکن اینجا ملاحظه فرمائید ما میخواهیم این حکمیت را از طریق عدالت نسبت به قرض دهنده و قرض گیرنده ملاحظه کنیم اگر این نظر را داریم و مقصود دولت هم این است صدر و ذیلش با هم متناقض است چطور؟ در ماده ۱۱ جزء پنجمش مینویسد که بانك بتجددی که از خبره اش یادگیری راپرت رسید که بولی را که قرض کرده است از برای زراعت کشف یا نیشکر بول برای آن صرف نشده است فوراً مطابق جزء پنجم از ماده ۱۱ مینویسد که قرار داد ما ملغی است یعنی قانون از برای او حق داده است فوراً يك مراسله مینویسد که این قرار داد ما ملغی است فوراً مراسله سفارشی می نویسد يك مندرجه که در واقع يك رهائی از برای بانك است دولت در اینجا چه کرده است اینجا در نظر گرفته است که يك حقی هم از برای قرض گیرنده قائل شود آن حق این است که قرض گیرنده حق دارد که بیاید بگوید که شما بواسطه راپرت فلان مغرض یا غیر حق ندارید و شما نمیتوانید متمسك باین شوید من حق برایم هست من میگویم خیر بول را خرج کرده ام برای زراعت نیشکر یا اینکه فرس مازور بود انقلاب بود شورش بود من نتوانستم عمل کنم پس آن قرار داد ملغی نیست اینجا وقتی که قانون باین حق داد آنوقت بانك و قرض گیرنده هر دو متساوی میشوند مرجع شکایت هر دو حکمیت میشود آنوقت هر دو نسبت به حکم معین کردن علی السویه اند پس دیگر معنی ندارد ما بگوئیم مخارج حکمیت بر آن کسی است که محکوم علیه واقع میشود چرا؟ برای خاطر

اینکه ما در اینجا قضاوت کردیم و این حق را باو دادیم بعد از آنکه قانون این حق را بهش داد آمد ادعا کرد و گفت من صرف کرده ام حالا من فلان کرده ام ما نگفتمیم که آمده است دعوی حکمیت میکند حکمیت برای هر دو است برای اینکه مطابق همان حقی که دادند قرض گیرنده حق دارد در مقابل مراسله سفارشی بانك بگوید من بول را در مصرف خودش خرج کرده ام پس در صورتیکه قانون بهر دو حق حکمیت داده من عقیده ندارم که اینجا بیائیم بگوئیم که بگردن او است بر فرض هم که محکوم بشود بر گردن اوست این یکی یکی دیگر اینکه تعیین میزان خسارت بانظر حکم است اینجا هم بنده عقیده ام اینست که آقای وزیر امور خارجه توجه کنند یکی از خسارتهای حق حکم است يك قانونی ما در مجلس گذرانیدیم که حق حکم معین شده است در آنجا اگر رجوع به آن قانون بشود که بعدی ندارد ولی اگر ما بخواهیم بگوئیم که تعیین میزان خسارت با حکم است از آن جهت حق الحاق حکمها هیچ کس نمی آید حکم بخواد چرا که آن اخلاق عادلانه هنوز نیست که واقعا ما در هر جا اخلاق عادلانه بخارج داده و ملاحظه عدالت بکنیم اینجا هم باید تعیین کنید که تعیین خسارت غیر از آن حقوق حکمها است و حقوق حکم همان است که در قانونی که از مجلس گذشته است والا اگر این اصلاح نشود يك بی عدالتی خواهد شد و يك قضاوتی را ما میدهیم يك قاضی که نفع را بخودش جلب کند این دو موضوع موضوع دیگر آقای مخبر توجه فرمائید کمان می کنم این لفظ ( که ) در اینجا زائد است نوشته است چنانچه حکمها در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم نائی انتخاب نمایند که رای او قاطع اختلافات خواهد بود باید (و) باشد نه (که) بالاخره خوب است صدر و ذیل عبارت را تحت نظر بگیرد وقتی که حق و عدالت دادیم که رجوع شود بحکمیت بعقیده بنده خسارت در هر دو صورت بر هر دو طرف است.



**کفیل وزارت اقتصاد ملی ( آقای فروغی ) - اصلاح**  
 عبارتی که در قسمت آخر فرمودید خیلی صحیح است قبول دارم و آقای مخبر هم قبول میکنند ولی اما در خصوص مسئله حکمیت بنظر بنده اشکالی ندارد و این اشکالی که میفرمائید وارد نیست زیرا که چنانچه سابقاً هم اینجا مذاکره شده است بانك اطلاع پیدا میکند که شخصی که قرض کرده است بوظائف خودش عمل نکرده است یعنی وجهی را که گرفته بمصرفی که تعهد کرده بود نرسانده البته چنانچه در جلسه گذشته توضیح دادم بانك هم چون میدانند که بالاخره بانك خساراتی گریبان گیر خودش هست بی کددار بآب نمیزند و بمجرد بانك راپورت بی مأخذی متعرض مردم نمیشود لابد بعد از آنکه دید واقعا به ساء شد بر او بطن قوی حاصل کرد که این راپورت صحیح است و آن شخص از وظیفه خودش کوتاهی کرده قدام میکند از برای اینکه بانظرف بگوید که شمت تخلف کردید و مطابق قانون باید تدریج او را تحمل کنیم باز هم همان طوری که عرض کردم بسا هست آن کسی که بدو اخطار میکنند آده عاقبتی است اگر واقعا تخلف کرده باشد میگوید بی شده است حالا چه باید کرد و تدریجش را هم تحمل میکنند و بیاین ممکن است که با واقعا خودش را ذبح میاند یا اینکه آده کجی است بد بخفته این قسم مردم هم در دنیا فراوانند آدم کجی است و خیال میکند صرف نباید زیر این بد رفت و شاید پیش برود آنوقت با بانك طرف میشود تا چار کار بحکمیت میرسد پس اینکه میفرمائید تقاضای حکمیت را قانون گفته است و میتوان گفت که خود بانك هم این تقاضا را داشته است این را بنده نمیتوانم تصدیق کنم برای اینکه بانك بعقیده خودش روی صحت بانك حرف صحیحی میزند و مورد محاکمه هم نمیداند مطالب را و عقیده اش اینست که باید اینطور باشد پس در حقیقت تقاضای حکمیت را همان طرف مقابل خواهد کرد و در اینجا است که مجبوریم بگوئیم از آنطرف هم بسا هست

که حکمیت هیچ خرجی نداشته باشد چنانچه بنده خودم حکم واقع شده ام یا بانك اشخاص دیگری و هیچ خرجی هم از بابت این حکمیت بر عهده هیچ طرف واقع نشده یعنی ما هیچ حق الزحمه برای خود قائل نشدیم ولی ممکن است مواردی اتفاق بیفتد که حکم ها بانك اشخاصی باشند که حاضر نباشند بجای کار کنند (آقای سید یعقوب - صحیح است) یعنی حقا البته کار دارد میگوید اگر میخواهید من بانك اوقاتی را مصروف کار شما بکنم از کار باز میمانم و پول میخواهد یا اینکه اگر حق الزحمه هم نخواهد بسا هست که بعضی عملیات باید کرد خیره باید فرستاد تحقیقات باید کرد معاينه باید نمود خوب اینها البته خرج دارد حکمیت بسا هست که خرج ندارد ممکن هم هست که خرج داشته باشد بانك که میگوید من تقاضای حکمیت ندارم من میگویم تخلف کردی پولم را پس بده آن طرف قبول ندارد حق این است که آنطرف بدهد میگویند تصنیف کنند نصفش را او بدهد و نصفش را بانك چرا آن بانکی که بد عقیده خودش حرف حسابی میزند چرا باید قبلا محکوم باشد در صورتیکه تقاضای حکمیت ندارد قبلا محکوم باشد بانك خرجی بکند و لیکن ما هم که قبول کردیم اگر بعد معموه شد بانك اشتباه کرده بود یا ما معمه و لا اله الا الله گری کرده بود و روی بانك راپورت بی مأخذی اقدام نموده بود گفتیم که خسارت بدهد یعنی هر خرجی بگردن آن آدم گذاشته اعم از مخارج حکمیت یا مخارج خسارت دیگر باید از عهده بر آید بانك هم معتبر است نکته این جا است که بانك معتبر تر از اشخاص است و هر وقت شکوم شد اطمینان حاصل است که محکومیت او اجرا میشود یعنی چیزی که باید از او گرفته شود گرفته میشود طرف دیگر مردم هستند که گرفتن پول از آنها اعم از اینکه وجه استقراضی باشد یا خسارت باشد از آن دارد زحمت دارد. امنای ادارات دولت بزحمت خواهند افتاد. خوب اگر میفرمائید بانك قبلا بدهد یا کلاً یا بعضاً ولو این که نصفش را بدهد عرض کردم مورد ندارد. یا اینکه

میفرمائید بانك اشتباه کرده که آنجا خسارت میدهد و اگر اشخاص محکوم شدند هیچ چیزش را نباید بدهد و چرا باید او را بزحمت انداخت که برود دنبال بانك اشخاصی که با کمال زحمت بیاید پول از آنها وصول کنند و اما اینکه میفرمائید مخارج حکمیت جزء خسارات نباشد خوب این بانك ظلمی است که بان اشخاص میفرمائید در صورتیکه ذبح باشند اگر بنده که با بانك طرف هستم اگر احياناً من ذبح بودم و مخارجی تحمل کرده بودم که من جمله از آنها مخارج حکمیت باشد چه باید کرد نباید ارزش گرفت مخارج حکمیت را پس در اینصورت به عقیده بنده مطلب آشکار است و جای این اعتراضاتی که میفرمائید نیست. بهتر همین است که بگوئیم در اول امر مخارج حکمیت را آنکسی که تقاضای حکمیت کرده است که البته همیشه طرف مقابل است و استقراض کننده است او بدهد خسارات دیگری اگر وارد آمد بجای خود در آخر اگر معلوم شد که آن شخص ذی حق بوده تمام و کمال را چه مخارج حکمیت و چه خسارات دیگری که باو وارد آمده است بانك باید بدهد. و اگر ذبح نبود بانك جریمه باید بدهد و نمیشود گفت که بانك را مازم کنیم بدهد چون فلان آدم اشتباهاً یا عناداً نخواسته است زیر بار حرف حساب برود

رئیس - آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی -** بنده در موضوع این ماده دو اشکال دارم و عقیده دارم این ماده طوری نوشته شود که این دو اشکال مرتفع شود یکی این است که در این ماده نوشته اگر بنده رفتم و پولی از بانك قرض کردم که کتف بکارم آدمم بعضی پیش آمده ها شد که پنبه بکارم و آدمم پول کتف را صرف پنبه کاری کردم در صورتیکه پنبه کاری هم با اصلح از او است یا مساوی او است. بموجب این ماده من باید جریمه شوم و مسئولم پول را بدهم و محکوم شوم. این را بنده عقیده ندارم عقیده ام این است قسمی نوشته شود که اگر پولی قرض شد

بجهت کاشتن يك چیزی و رفت چیز دیگری کاشت که مثل او یا نفع از او باشد اشکالی نداشته باشد. این یکی بانك اشکال دیگری که در اینجا دارم این است که اگر بمحاکمه کشید و دوات محکوم شد آنوقت هر روزه بانك باید بابت ضرری بدهد بعضی وقتها هم شاید خدای نخواسته یکی از اعمال بانك برای اعمال غرض شخصی خواست بانك اعتراضاتی بکنند ایراداتی بآن شخص قرض کننده باشد و او را محکوم کنند بعد در آخر خودش آمد محکوم شد اگر دست آخر خودش آمد محکوم شد اینجا بانك تبصره باید اضافه شود که اگر از روی اعمال غرض اعضا بانك شد باید خود آن شخص اعمال غرض کننده خسارت را بدهد و الا اگر غیر از این شد که اعمال غرضی در کار نبود و از اشتباهات عادی و معمولی بود که اعمال غرضی در آن معلوم نشد آنوقت خسارت بدهد **کفیل وزارت اقتصاد ملی -** نسبت بان قضیه اول که فرمودید سابق در اینجا مذاکره شد و بنده توضیح داده بطور مفصّل اگر میخواهیم اجازه بدهیم که کسی برای بانك مقصود مخصوصی آمده است و استقراض کرده است و بعد اجازه داشته باشد که آن مقصود را تغییر بدهد این بانك تسخیبی است که تمام مقصد و غرض ما را از این شرایط قویود بهم میزند و خراب میکند و نمیتوانیم این اجازه را بدهیم و بعقیده بنده حاجت هم نیست همانطوریکه عرض کرده خوب است که وقتی ما بانك کاری را میخواهیم بکنیم قبلا بیائیم و حسابش را بکنیم پس نتیجه فهمیده اقدام بکنیم و این مسأله کاریها و اعمال کارهایی که در کار ما هست که بانك قسمت مهمی از خرابی اوضاع ما نتیجه اوست که بی مطالعه کار میکنیم در هر کاری و بی کددار با اصطلاح بآب میزنیم این کم کم موقوف بشود بدانیم که این نتیجه بد دارد و نکند. حالا میفرمائید که احياناً بجهت احتیاطها با همه ملاحظاتی که کرده است بانك استقراضی کرده است برای بانك چیزی بعد بانك پیش آمدی میکند یا اینکه اشتباه کرده است می بیند بهتر این است فلان کار را میکند تبدیل میکند خوب چه مانعی دارد فوراً



به بانک بگوید بانک آنجا دائر است و قرارداد هم که وحی منزل نیست که نشود او را تغییر داد میگوید این قرضی که من کردم برای پنبه کاری امروز می بینم پنبه کاری مسعد نیست آنوقت که من این مطالعات را کرده بودم پارسال بود و حالا وضعیات مقتضی نیست صرفه ندارد باید ابریشم کاری کرد و زراعت کتف کرد و لازم است این مساعدت را بانک با من بکند که این قرضی را که کرده ام باین مصرف برسانم. بانک هم که حاضر و آماده است و غرضی هم ندارد اگر واقعاً این آدم حق دارد و مصالحت بداند این کار را بکند تجدید میکند مانعی ندارد پس این موضوع را تصور میکنم حاجت ندارم در قانون يك چیز مخصوصی برایش بنویسم - اما موضوع دیگر هم به عقیده بنده محل حاجت نیست که چیزی در قانون در این باب نوشته شود. اینجا دیگر مسئولیت کاملاً بعهد خود بانک است از جهت اینکه بانک باید امنای خودش را خوب انتخاب کند و اگر خوب انتخاب نکرد ضرری بر او متوجه شد باید خودش تحمل کند و مسئول است و البته يك مواقعی هست چنانچه در آن قسمت عرض کردم ممکن است بانک هم امتحانات خودش را درباره اعضا کرده باشد ولی معدنك كله بیک علتهاى اشتباهی شده باشد و يك شخص ناحسابی در میان اعضا بانک پیدا شود و با ضرر زنده بانک البته حق دارد اعضای خودش را مسؤل قرار دهد نمیشود گفت مسؤل در مقابل آن اشخاص نالك که طرف بانک هستند عضو بانک باشد در مقابل آنها مسؤل خود بانک است. اگر یکی از اعضای بانک کاری کرد که بمن ضرری وارد آمد مرا حواله نکند که با آن آدم بروم طرف بشوم من با بانک طرف میشوم و خسارتم را میگیرم بانک اگر سهل انگاری کرده و اعضای بد انتخاب کرد باید خسارات را هم بدهد در هر صورت بانک بیشتر قدرت دارد که آن اشخاص را مسؤل قرار داده و ضرر خودش را قبول کند بنا بر این بنده حاجت نمی دانم.

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ سطر ۳ بآخر ماده مانده عوض کلمه (که) نوشته شود و رأی الخ

مخبر کمیسیون اقتصاد - قبول میکنم

رئیس - دولت هم موافق است؟

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بلی

رئیس - پیشنهاد دیگری از ایشان رسیده است:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ در سطر تعیین میزان خسارت اضافه شود غیر از حق الجماله حکمیت الخ

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آخر خسارت را که اینجا بیان میکنید خسارت چند قسم است یکی از جمله خسارت آن حقی است که بحکمها خواهند داد ما يك حق الجماله در قانون حکمیت برای حکمها نوشتیم اگر رجوع بانجا بشود اشکالی ندارد اما اگر رجوع بانجا نشود و خسارت را تحت نظر خود حکمها قرار بدهیم بنده عقیده ندارم و تحت نظر خود حکمها قرار بدهیم از آن جمله حق الجماله اش باشد عقیده بنده این است که وزیر محترم امور خارجه قبول بکنند که حق الجماله حکمها مطابق آن قانون باشد والا اگر مطابق آن قانون نباشد و حق الجماله مطابق میل خودشان باشد بنده عقیده ندارم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده درست منظور آقا را نمیدانم اگر منظور این است که حق الزحمه حکمها را خودشان معین نکنند دیگری معین کند خوب اینجا البته يك قانونی هست ولی بسا هست که حکمها از روز اول از مقداری که قانون معین کرده کمتر بکنند و بسا هست يك چیز دیگر هم هست بنده آن قانون را حاضر الذهن نیستم ندیده ام ولی اگر بنده محتاج هستم بیک آدمی و باو اعتماد دارم و میخواهم حاضر بشود و او حاضر نشود مگر بیک مبلغ معینی چه باید کرد. اینجا پس بنظر بنده اینقدر احتیاط لازم ندارد.

دیرتر آمده است در بانک آخر هم میدانید کار هم در دست وزراء نیست يك پیشنهادی ثبات میکند و میرود در شعبه و شعبه میرود در اداره و می بیند يك دفعه ده بانزده امضا شد و وزیر هم همان را میگیرد. بنده عقیده ام این است که در صورتیکه قرض کننده شرایط را قبول کند که این همه اختیار هم از برای بانک دادیم که در صورت تخلف به موجب يك مراسله آن قرارداد را بهم میزند دیگر بانک حق نداشته باشد بگوید من نمی دهم بدون دلیل این است نظر بنده دیگر بسته بنظر خودتان است

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در این باب هم در جلسات

سابق مذاکره کردیم بالاخره چاره نیست میفرمائید بانک اولاً اینکه میفرمائید کار دست ثبات و فلان است خیر این اندازه ها نیست در مسئله امور تجاری بالاخره بانک آراء و عملیاتش منتهی میشود به رئیس بانک است بانک در حکم يك تجری است و او نظرس چاره نیست جز اینکه معتبر باشد میفرمائید بی دلائل هم نباید رد کند دلیل باید بیورد دلیل را پیش کی بیورد؟ عرض کردم دلیل آوردن اگر توجه بفرمائید يك مؤسسه تجاری را مقایسه بفرمائید با ادارات دولتی که مسؤل خدمت هستند خدمتگذار ملت هستند باید در مواقع لازمه دلیل هم بیاورند برای اعمال خودشان و از عهده مسئولیت خودشان بر بیایند اما يك مؤسسه تجاری که میخواهد پول قرض بدهد یا ندهد این مسؤل مردم نیست بنا بر این باید باو اختیار داد دلیل در مقابل کی بیورد؟ بنده که يك آدمی هستم و رفته ام و بانک بمن قرض نداده است بنده میروم عارض میشوم پیش وزیر اقتصاد آنوقت بانک مجبور باشد هر روز آنجا در مقابل تقاضای امثال بنده هی مرافعه بکند و دلیل بیاورد! بسا هم هست که دلائل هم که بیاورد بر ضرر آن آدم است اگر نظر تان باشد بنده این مثل را عرض کردم که يك آدمی است که همه چیزش خوبست پولدار هم نیست معتبر است ولی قمار باز است حالا میفرمائید رئیس بانک

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۲ با اصلاح پیشنهاد اول آقای آقا سید یعقوب که دولت و مخبر اجابت کرده اند موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود

ماده ۱۳ - موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقرار بانک مکلف باقائه هیچ دلیلی نخواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خوب است آقای وزیر امور خارجه توضیح بدهند برای اینکه نظیر اعلامی است که در روزنامه ها و وزارتخانه ها میکنند مطابق قانون محاسبات وزارتخانه ها اعلان مناقصه میدهند بعد از آن آخراش يك سطر می نویسند تمام آن مواد را بهم میزنند و می نویسند که مختارخانه آزاد است اگر بعد از آنکه مزایده را اعلان داد و ورقه در آمد که آن شخص پیشنهاد داده است و مزایده را با مناقصه را فلان قدر قبول کرده است باز این جا می نویسند وزارتخانه در قبول کردن آن آزاد است اینجا هم می نویسند که موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقرار بانک محتاج باقائه دلیلی نخواهد بود. ما در اینجا آمدم يك موادی گذراندم که قرض کننده این قرض را که میگیرد از برای این امور باشد معین باشد که از برای ایجاد یا توسعه زراعت جای - پنبه - نيل - خنا - دروناس و فلان این مواد را ما معین کردیم که فرض برای این بکنند و اگر هم برای این نیست که مطابق جزء پنجم از ماده ۱۱ فوراً بر میدارد بانک يك مراسله روانه میکند که چون نکردی ملغی و هیچ حق باقائه دلیل هم نیست اگر میخواهد حکم معین کند بعد از آنکه ما اینهمه اختیار باو دادیم و هنوز هم (آقای وزیر امور خارجه کاملاً مستحضر است) اخلاق فاضله در تمام افراد ما نیست که اعمال غرض یا نظرهاى خصوصى نکنند يك بیچاره است



بباید بنویسد بوزارتخانه که فلان آدم را ما تشخیص دادیم که قمار باز است با پول قرض ندادیم. این محظورات هم در کار هست بنا بر این بعقیده بنده لزومی ندارد. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادی از آقای طهرانی رسیده است قرائت می شود.

مقام منبع ریاست محترم دامت عظمته پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ حذف شود. رئیس - بفرمائید

**طهرانی** - عرض کنم بنده گمان میکنم هیچ محتاج باین ماده ۱۳ نباشیم البته دولت نظرش از تأسیس این بانک فلاحی کمکی است بزراعت و فلاحت خوب یک تقاضای مردم میدهند اگر بانک صلاح و جایز میدانند میدهند و الا نمیدهد ولی با این ترتیب اصل خود این ماده تولید اشکال میکند بنده عقیده ام این است که اگر یک ماده اضافه شود بجای این ماده که یک فرجه داده شود که در ظرف دو روز یا سه روز بانک جواب مردم را بزرگ قبول بدهد که بانک مدتی مردم را معطل نکند که اگر قبول میکنند یا نمیکند تکلیفش معلوم شود بانک مختار است در رد و قبول البته مختار است احتیاجی باین ماده نیست از اینجهت بنده پیشنهاد حذف ماده را میکنم

**اعتماد** (خبر که میسیون اقتصاد ملی) - بنده گمان میکنم که خوب است آقای طرف قضیه را هم توجه بفرمائید اشخاصیکه پیشنهاد میدهند بالاخره بانک روی یک دلائلی که پیش خودش است اطلاعاتی که پیش خودش است بان اشخاص نمیخواهد پول قرض بدهد و تقاضای آنها را رد میکند برای آنها چه مانعی است که بیایند بوزارت مالیه شکایت کنند بمجلس شکایت کنند که بانک بما پول قرض نداد تبعیض کرد حق کسی کرد برای جاوگیری از همچو وضعیتی بنده عقیده ام اینست که صلاح مردم اینست که این ماده باشد که اگر چنانچه یک پیشنهادی را بانک قبول نکرد خیال آن آدم راحت باشد نسبت و زحمتی بخودش ندهد و آن قسمتی را که فرمودید

اصلاح کنیم و بانک را مکلف کنیم که در ظرف ده یا نوزده روز جواب رد یا قبول را بدهد اینهم بعقیده بنده یک قید غیر لازمی است برای اینکه البته بانک یک مؤسسه را برای این کار معین خواهد کرد که هر پیشنهادی که می آید مطالعه کند و ممکن است در مدت کمتری یعنی در ظرف پنج روز جواب بدهد.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند... (طهرانی - استرداد میکنم) استرداد کردید (طهرانی - بلی) رأی میگیریم بماده ۱۳ موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده چهارده قرائت میشود: ماده ۱۴ - شعبه بانک فلاحی مجاز است برای بستن سد های منید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکوره در ماده (۴) و ایجاد صنایع مفیده فلاحی شرکت های سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آن را بپردازد اقدامات مذکوره در این ماده مشروط بتصویب قبلی وزارت اقتصاد ملی است

**رئیس** - آقای کازرونی

**کازرونی** - عرض کنم بنده هیچوقت مایل نیستم که دولت خودش شخصا چه مستقیم و چه غیر مستقیم داخل معاملات و کار های آب و زراعت و غیره بشود میفرمائید که این جا میتواند وزارت اقتصاد یک تشکیلاتی بدهد...

**احتشام زاده** - بانک است

**کازرونی** - بله بانک. بانک یعنی دولت فرق نمیکند. بانک یک تشکیلاتی بدهد برای یک کارهایی و یک مبلغی از پولش را خودش بدهد پس این جا اجازه میفرمائید که یک کارهای اقتصادی از قبیل زراعت و غیره خود بانک کرده باشد پس بنده عقیده ام این است که مآلاً بصرفه بانک و بالاخره دولت نیست. ابدأ وظیفه نباید داشته باشد بانک که خودش وارد مطالعه و عمل در این جور موارد و امور بشود. بلکه بایستی مردم را تشویق و ترغیب

بکنند و وظیفه اش همان استقرض دادن است این عقیده بنده است **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - این عقیده که میفرمائید دولت نباید تجارت کند کاملاً عقیده خود بنده است و یقین بدانید که دولت هم این عقیده را دارد و بهمین دلیل است که ما این ماده را گذاشته ایم برای همین منظور است برای این است که معلوم بشود که بانک دولت نیست اداره دولت نیست عرایض بنده در موضوع این بانک از اول تا آخر اسرارم در مقابل آقایان این بود که توجه بفرمائید این اداره دولتی نیست شرایطی که برای یک اداره دولتی میشود منظور داشت درباره این نباید نظر داشت و شرایطی که درباره ادارات دولتی است در این جا نباید منظور داشت بله بطن فکر ایشان را بنده هم واقفم که این جا بطور غیر مستقیم دولت نکند یعنی بعبارة اخری سرمایه را دولت داده تصدیق میکنم بنده ولی اگر ممکن بود این کار را هم نکنیم و یکی تجارت فلاحی را بگذاریم ب مردم و خود مردم بکنند اگر حوائج اینجانب نکرده بود که دولت یک شرکتی در این کار بکنند و او بطور غیر مستقیم بنده کاملاً موافقت می کردم و خیلی هم متاسفم که ما مجبور شده ایم این کارها را بکنیم ولی خودتان تصدیق می فرمائید که مملکت ما امروز طوری است وضعیانش که مجبور است دولت در امور اقتصادی یک دخالت ها و کارهایی بکند و حالا حتی الامکان این مداخلات را میخواهیم بطور غیر مستقیم بکنیم بنا بر این بانک باید اداره دولتی نباشد مؤسسه تجارتي باشد ملاحظه می فرمائید اینجا هر روز از بنده یا مؤاخذه می شود یا تذکر داده می شود که فلان کارخانه چطور شد. چرا این را در مجلس شورای ملی علناً بطور عتاب و خطاب میگویند آن کسی هم که می گوید خوب غرضی ندارد تصور میکنم که غرضی ندارد پس لازم میدانند که دولت در این خصوص کاملاً مراقبت و اقدام کند یا چرا کارخانه قد سازی را می خواهیم کترات به بندیم برای این است که یا مردم عملش را ندارند یا سرمایه اش را ندارند پس در این

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس** - آقایانی که با کفایت مذاکرات...

**یاسانی** - بنده مخالفم

**رئیس** - بفرمائید

**یاسانی** - عرض میشود بنده فقط سؤالی دارم این جا یک عبارتی نوشته است که (شعبه بانک مجاز است برای بستن سد های مفید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکور در ماده ۴) این عبارت بنده نمیدانم برای اشخاصیکه میخواهند ایجاد بکنند و استفاده بکنند کافی است یا خیر و شامل آن قسمت ها هم میشود یا نه چون بالاخره ایجاد آب که نیست استفاده از یک آبی موجود است. اشخاصی نمکن است شرکت تشکیل بدهند اقداماتی بکنند و کمک بخواهند از بانک فلاحی برای این که در رود کارون استفاده از آب بکنند و اراضی خودشان را مشروب بکنند و بعقیده بنده قسمتی را که بانک فلاحی باید بیشتر متوجه بشود همین قسمت اراضی خوزستان و استفاده از آب کارون است خواستم به بینم که این عبارت برای مقصود دولت کافی است که هیچ و الا یک عبارتی اضافه شود که این معنی را بدهد **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - گمان میکنم که این عبارت کافی است و اگر درست توجه بفرمائید تصدیق میفرمائید که این اشکال وارد نیست مقصود از ایجاد آب خالق آب که مقصودمان نیست ما خالق آب که نمیتوانیم باشیم آب که هست ایجاد آب که میگویند در اصطلاح علم ثروت و اقتصاد یعنی چیزی را که محل استفاده نیست محل استفاده قرار بدهند آن میشود ایجاد بنا بر این قنوت دایر کردن یا سد بستن اینها با اصطلاح ایجاد آب است سد بستن که حقیقه آب را ایجاد نمیکند بلکه آب را از اینطرف بان طرف میبرد اینها همه اصطلاح



است در صورتیکه سد هم که می بندند برای همین منظور است که آب را جمع کنند و مصرف برسانند  
رئیس - حالا مذاکرات کافی است ؟ موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب: پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ کلمه ( تمام یا ) حذف شود. آقاسید یعقوب - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید

آقاسید یعقوب - در این جا نوشته است ( شرکت های سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آن را بدهد ) اگر بنا شد که شرکت سهامی را تمام سرمایه آن را خود بانك بدهد دیگر شرکت نیست چون خود شعبه فلاحت تشکیل میدهد مگر اینکه شما توضیح بدهید که تمامش را اول میدهد بعد سهامش را میفروشد این را توضیح بدهید والا از اول تمام پولش را شعبه بانك بدهد این شرکت دیگر تشکیل نشده است و من برای اینکه آقای وزیر توضیح بدهند این پیشنهاد را عرض کردم که بعد از آنکه شرکت تشکیل شد تمام پولش را میدهد پس از آن سهامش را بفروشد این عیبی ندارد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - البته معنی شرکت هم همین است اگر بنا بشود تمام سرمایه را خود بانك بدهد و کسی در او دخالتی نداشته باشد که شرکت مخصوص نیست ولی بانك يك شرکتي تشکیل میدهد برای این موضوع حالا اگر مردم شرکت نکردند و تمام سرمایه را مجبور شد که خودش بدهد معذک آن بعنوان شرکت خواهد بود یعنی نفع و ضررش در کارها متوجه خودش خواهد شد. اگر صد هزار تومان هم مصرف کرد برای کارخانه قدسازی آنوقت اگر ضرر یا نفع کرد هرچه هست از آن صد هزار تومان است و الا اگر شرکت نکنند و يك شرکت جداگانه مخصوصی از این بانك تشکیل بدهند آنوقت تمام سرمایه

بانك ضامن این شرکت خواهد شد و این تأثیر را دارد البته مادامیکه مردم در سرمایه شرکت نکنند بانك هم خیلی معنون خواهد شد برای اینکه بهتر میتواند پولش را بکار بیندازد

آقاسید یعقوب - استرداد میکنم .

رئیس - از آقای فیروز آبادی پیشنهادی رسیده است: بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۵ اضافه شود. بعد از بستن سدها و کندن چاه آرتزین در آماکن مفیده فیروز آبادی - البته خاطر همه آقایان مسبوق است که ایران یا تزرده بکش بلکه بیشتر آباد و مزروع نیست چرا بواسطه بی آبی و کم آبی بعضی نقاطش که آب است مزروع است و زراعت میشود ولی در بعضی نقاط که آب ندارد زراعت نمیشود استفاده نمیشود و همینطور باغراست در این لایحه بستن سدها هست اما حفر چاههای آرتزین که آنهم از چیزهای خیلی مفید است و امروز هم در دنیا معمول شده است و در مملکت ما بجز استمی از او چیزی ندیده ایم امیدوارم که در این لایحه قسمی بکنند که آن هم باشد بعقیده بنده باید اشخصیکه قبل باشند و بفهم و کمال باشند طوری بشود که بتوانند پول استقرض کنند بجهت حفر چاههای آرتزین در آماکنی که دولت مفید میداند و دولت مقید باشد که کمک کند آنها و امیدواریم چون چیز خیلی خوبی است دولت هم موافقت کند و عملی کند

کفیل وزارت اقتصاد ملی - با اصل مقصود آقا که موافقت حاصل است منتهی در ذکر چاه آرتزین تصور میکنم که ضرورتی ندارد بجهت اینکه هرچه ذکر امثال را بکنیم افاده حصر بیشتر میشود ولی بطور کلی که بگوئیم چاه آرتزین هم هست سد هم هست آنها هم که آقای باستانی میفرمایند از قبیل ماشین نلمبه و اینها هم جزئش هست و عمومیت پیدا میکند ولی امثال را زیاد نکنیم. افاده این میشود که غیر از آنها را نکنیم و الا چاه آرتزین هم جزر ایجاد آب هست

فیروز آبادی - بنده پس میگیرم

رئیس - رأی میگیریم بماده چهارده موافقین قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد. ماده پانزده قرائت میشود ماده ۱۵ - بیلان سالیانه شعبه بانك فلاحتی باید همه ساله تهیه و منتشر شود

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده آقای مخبر و آقای وزیر هم عرض کردم و خواستم استدعا کنم این کلمه بیلان را بردارند و بنویسند صورت حساب یا خلاصه حساب همینطور که در قوانین دیگر هم نوشتیم در قانون بانك هم نوشتیم کلمه بیلان را هم در این جا مرحمت بفرمایند بر دارند

رئیس - پیشنهادی هم از آقای مجد ضیائی رسیده است قرائت میشود

مقام محترم ریاست دامت شوکتة در ماده ۱۵ پیشنهاد میکنم عوض کلمه بیلان نوشته شود میزان دخل و خرج سالیانه .

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده متأسفانه سابقاً در دست در خاطر ندارم از اینکه در قوانین گذشته اگر مبتلا شدند بلفظ بیلان چه کرده اند ولی عقیده شخصی خودم را عرض میکنم در صورتیکه بنده خودم خیلی طرفدار زبان فارسی هستم و خیلی هم میل دارم که زبان فارسی تکمیل و خوب بشود و گمان میکنم آقایانی هم که اطلاع داشته باشند میدانند در این باب اهتمام هم میکنم ولی يك چیز را هم باید عرض کنم که زبان های تمام دنیا نمکن نیست جامد بشوند بهمان الفاظی که خودشان دارند و قطعاً محتاج باستقرض هستند ملاحظه میفرمائید ما هر چه پیش میرویم در زندگانی و ترقیاتی که میکنیم قهراً يك الفاظی را ناچاریم اختیار کنیم تلگراف تلفن سینما توگراف تریبون کابینه اینها يك الفاظی است که فارسی نبوده این الفاظ وقتی که آمد در زبان فارسی و طوری شد که مردم فهمیدند فارسی میشود ( بعضی از نمایندگان - صحیح است ) این

را نباید گفت خارجی است این فارسی است بیلان يك کلمه ایست که معنای خاص دارد. و حالا يك کلمه کوتاه مفیدی را بجوایم تبدیل کنیم بيك اصطلاحی که دو سه لفظ داشته باشد این چه حسنی دارد. یکی اینکه يك لفظ کوتاه است یکی اینکه چندین معنی دارد یکی دیگر اینکه در همه زبانهای دنیا هست و میفهمند و اسباب سهولت کار است و بنظر بنده هیچ عیبی ندارد که این لفظ را هم استعمال کنند

رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای مجد ضیائی قیام فرمایند ( چند نفری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده پانزده موافقین قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده شانزده قرائت میشود. ماده ۱۶ - این قانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

رئیس - اشکالی ندارد ؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - موافقین با ماده ۱۶ قیام فرمایند ( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده خیلی تشکر میکنم از دولت که درصد برآمد بانك ملی بانك فلاحتی تشکیل بدهد که اسباب آسایش مردم خواهد بود و این بانك فلاحتی در صورتیکه بتمام معنی عمل شود خیلی اسباب ترویج فلاحت و تشویق فلاحت خواهد شد اگر چه این نکته هم نگفته ماند که این بانك برای فلاحین نتیجه ندارد چیزی که نتیجه میدهد برای صاحبان املاک است بجهت فلاحین و رعایا فایده ندارد کسی باو قرض نمی دهد کسی باو کمک نمیکند و بهمان



موضوع سابقش خواهد ماند ولی وقتیکه صاحب ملک بولداری شد فایده‌اش را هم باز رعیت میدرد از این جهت خوبست اما در صورتیکه دولت اینقدر در صدد تشویق ترویج فلاح است باید در صدد صادرات او هم باشد آن صادرات هم پیدا کند امروز فلاح ایران نسبت بسابق خیلی خوب شده است مثلاً پنبه ایران امروز خیلی خوب ماشین می‌شود میوه‌جات امروز ایران به صورت کالیفرنای خوب در می‌آید و خوب تهیه می‌کنند و چنانکه می‌بینید امروز میوه‌جات ایرانی در هر دکان بقالی ریخته بچه صورتهای خوبی و نمی‌خرند بپوشکی که ما در بیادیم نمی‌برند و الا هیچ قسم از صادرات ایران چه در کتیراش و چه در اقسام دیگر میوه جاتش از قبیل سبزه قیسی همه بصورت خوب در آورده‌اند و باز برده نمی‌شود باید پت فکری کرد بعد از این بانک فلاحی باید در این خصوص فکری کند که رعایا و صاحبان املاک چیزهایی را که تحصیل و تهیه می‌کنند صادرات پیدا کند و الا میوه‌جات را درست بکنند قیسی‌ها را درست بکنند کتیرا را درست بکنند و هیچکس نبرد ضرر مملکت افزوده می‌شود بنده اینها را تذکر می‌دهم و امیدوارم یک ترتیباتی بکنند استخراج معادن و تعیین کارخانجات را در نظر بگیرند این بهرین چیزهاست امروز در مملکت اگر آن دو چیز صورت نگیرد تمام زحمات و صدمات ما بی نتیجه است مثل اینکه چندی است زحمت می‌کشیم در صادرات و نتیجه نمی‌بریم در تسعیر زحمت می‌کشیم هیچ نتیجه نمی‌بریم پس ما باید ایجاد کارخانجات را در نظر بگیریم و استخراج معادن را مد نظر قرار دهیم

و دولت هم در مد نظر بگیرد ملت هم همراهی کند نه اینکه مثل کبریت آذربایجان باشد دولت هم وقتی که به بند ملت نمی‌خورد او هم نکند و کارخانه بین خوبی ازین برود یا ساجی اصفهان خدای نخواستہ ازین برود یا مال یزد و کرمان ازین برود اولاً ملت باید سعی کند در خریدن و استعمال آن و هر روز یک عیبی یک ایرادی در امتعه روشن خودش پیدا نکند امتعه وطن خود را بچشم خوب و بانظر حسن تلقی کند و آنرا تشویق کند که کارخانجات ازین برود مثل کارخانه کبریت سازی آذربایجان هم که ما مضیق بکنیم و یک شاهی پول خودمان را بکبریت آذربایجان ندهیم و همه را بکبریت دیگری بدهیم اینها را تذکر میدهم که انشاء الله ملت هم در ترویج امتعه خودش سعی بکنند تشویق بکنند و دولت هم نسبت با توجه کرده و مشوقش شود و هر کسی از بی این قبیل کارها رفت او را تشویق بکند و دماغ او را نسوزاند و اذیتش نکنند تا آنها هم روز بروز در کارهای صنعتی و فلاحی و کارهای خوب جدید بکنند و بیفزایند

**رئیس** - کافی است  
جمعی از نمایندگان (کافی است)  
**رئیس** - موافقین باقانون بانک فلاحی ورقه سفید خواهند داد  
( اخذ و استخراج آراء بعمل آمد ۷۵ ورقه سفید تعداد شد )  
**رئیس** - عده حاضر ۸۲ باکثرت ۷۵ رأی تصویب شد

- اسامی رأی دهندگان - آقایان : ملک مدنی - دشتی - طهرانی - طالشخان - عباس‌میرزا فرمافرمایان - بالیزی - نجومی - رفیع - مؤید احمدی - فرمند - آقا سید کاظم بردی - زوردر - ملک زاده - فهیمی - ذوالنور - دکتر لقمان - طباطبائی و کبلی - حکمت - قوام - بزرگ‌نیا - نوخت - الفت - ظفری - دربانی - آقا امین پور محسن - خواجهی - آقا زاده سبزواری - حاج سید محمود - ده‌انی - امیرتیمور - احتشام زاده - کبا نوری - جلایی - مجد ضیائی - کفائی - وهاب زاده - شریعت زاده - کاررونی - دیوان بیگی - میرزا محمود خان ناصری - عراقی - حاج غلامحسین ملک - آقا سید حسین آقایان - آقا سید مرتضی وثوق - حبیری - همراز - حاج آقا حسین رهبری - بیات - لاریجانی - رحیم‌زاده - اسدی - موقر - شریفی - میرزا عبدالحسین خان دیبا - محمد آخوند - مفتی - آقا سید ابراهیم ضیاء - اسعد - مولوی - آشنائی - میرزا یانس - افخمی - یسائی - امیر دولتشاهی - آیه الله زاده شیرازی - دینار عظیمی - آقا سید یعقوب - سهرابخان ساکنیان - قاضی نوری - حبیبی - بنکدار - اعنبار - مسعودی - محمد علی‌میرزا دولشاهی - طباطبائی دیبا

**[ ۵ - تقدیم لایحه فقره لایحه از طرف وزارت داخله ]**  
**رئیس** - آقای معاون وزارت داخله فرمایشی دارید  
**معاون وزارت داخله** - بی برای اداره سیاسی نظمیہ یک اضافه اعتباری لازم است که چون محل اعتبارش در بودجه نظمیہ هست هیئت دولت هم تصویب کرده اند لایحه است که برای اجزیه و تصویب آن تقدیم میکنم  
**[ ۶ - تقدیم فقره لایحه از طرف وزارت امور خارجه و اقتصاد ملی ]**

**رئیس** - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی داشتید  
**وزیر امور خارجه و کفیل وزارت اقتصاد ملی** - دو فقره لایحه است از وزارت امور خارجه که تقدیم مجلس شورای ملی میکنم یکی راجع است بقرار دادی که دولت ایران بستند است با دولت آلمان راجع بخرید و صادرات علائم صنعتی که باید بتصویب مجلس برسد و یکی هم یک قرار داد بین آلمانی است که چند سال قبل در برسانون ( که یکی از بندر اسپانیاست و خاطر محترمه قریب مسبق است ) منعقد شده است راجع بتسهیلات عبور و مرور ترانزیت که آنهم نسبت بتجارت ایران مفید شمرده شده است و نمایندگان ما امضاء کرده اند و مجلس شورای ملی هم باید تصویب فرمایند سه فقره لایحه هم از طرف وزارت اقتصاد ملی پیشنهاد به مجلس شورای ملی میکنم و هر چند که بنده خودم طرفدار این نیستم که لوایح در مجلس شورای ملی بعجله و فوریت بگذرد ولیکن بدلائیل چند میخواهم تمنا کنم از آقایان نمایندگان محترم که توجه کنند این سه فقره لایحه را بفوریت بگذارند و دلیلش هم این است اولاً وقت ما کم است مجلس شورای ملی رو باقتضاء است این مجلس که منقضى شد قهراً یکمدهتی فترت واقع میشود برای انتخابات و آقایان نمایندگان هم بعضی مسافر شده‌اند و کمیسیون اقتصاد هم گاهی اوقات باینواسطه باشکال منعقد می‌شود و اگر بنده تقاضای فوریت نکم ممکن است که این لوایح که فوریت دارد در بوته اجمال بماند ولی دلیل اصلی این است که این لوایح خیلی مختصر است و وجوب و ضرورت آنها خیلی واضح است بمحض اینکه قرائت

بکنند آقایان تصدیق می‌فرمایند که این یک چیزی نیست که نه مطالعات زیاد لازم داشته باشد و نه کمیسیون رفتن لازم داشته باشد علاوه از اینکه دو فقره از آنها هم خرج است و اصلاً یک فوریت آنرا نظامنامه اجازه داده است و بنده تصور میکنم که اگر در همین مجلس اینها را آقایان مطرح کنند و بگذارند خیلی متشکر می‌شود و فراموش کردم که اظهار تشکر بکنم از آقایان نمایندگان محترم در گذراندن لایحه بانک فلاحی که وقعا خیلی اسباب امتنان بنده شد این هم اسباب مزید امتنان بنده خواهد شد یکی از آنها راجع است باینکه نشر دارند آقایان همچنین هیئت دولت بنده بانه صادرات مملکت را تسهیل بکنند یکی از مواردی که ما می‌بینیم ممکن است از برای این مملکت صادرات بشود و اگر چنانچه خیلی هم نشود باز یک چیزی است که صادرات ما کم است میبند آن غله است و ما اگر یک غله زیادی در بعضی نقاط داشته باشیم در سرحدات و اینها بیرون برود هیچ عیبی ندارد و ما میخواهیم که غله را از عوارض صدور معاف کنیم ملاحظه فرمایند چندان مذاکره زیادی لازم ندارد دو لایحه دیگر متخصصی است متخصص چینی و متخصص اروپائی برای جای آنها تصدیق می‌فرمایند که جایکاری الحمدلله رو بترقی است و خیلی هم مهم است از برای ما و هرچه سعی بکنیم در ترقی آن حیاتی خوب است و استخدام هم یک چیزی نیست که مطالعات لازم داشته باشد ما مطالعاتش را کرده‌ایم و در بودجه وزارت اقتصاد هم خرجش منظور است مجلس هم هست یک خرج جدیدی از برای دولت نیست باین ملاحظه است که عرض میکنم اگر موافقت فرمایند با فوریتش ضرری ندارد .

**کاررونی** - نسبت بقسمت اولش فوریت دارد که صدور کنندم باشد  
**[ ۷ - طرح و تصویب لایحه معافیت صدور غله از عوارض ]**  
لایحه دولت  
ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی  
یکی از مهمترین وسایل اصلاح وضعیت اقتصادی



ترویج صادرات اجناس ایران بخارجه است در نتیجه مطالعاتی که بعمل آمده معلوم میشود که غله بواسطه فراوانی وعدم احتیاجات داخله در هذلسنه تنزل قیمت فاحش نموده در صورتیکه وسایل صدور آن بخارجه فراهم شود ممکن است مقدار معتدلی صادر شود ولی چیزی که بیش از همه صادرات غله را مشکل کرده است خرواری پانزده قران عوارض گمرک و باج راه است و برای رفع این محذور مواد ذیل برای تصویب تقدیم میگردد.

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات گندم و جو ایران بخارجه از پرداخت یکم یکشاهی حقوق خروجی و یکم دوشاهی عوارض راه معاف خواهد بود.

ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد.

رئیس - در متن لایحه تقاضای فوریت فرموده اید؟  
وزیر امور خارجه - در متن خیر. در مجلس عرض کردم.

رئیس - فوریت اول مطرح است مخالفی ندارد؟  
(گفته شد خیر) موافقین با فوریت قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت دوم مطرح است مخالفی ندارد؟ آقای کازرونی (احازه)

کازرونی - بنده باین لایحه کاملاً موافقم و تا اندازه هم فوریت این لایحه محرز است لیکن خواستم يك اصل را به عرض آقا برسانم که تقاضای فوریت يك امر فوق العاده است این فوریت را در امور عادی و در مواقع عادی استعمال نکنند والا امورات درهم و برهم میشود مثل دو لایحه دیگرشان که بنده تصور میکنم آن اندازه فوریت ندارد و چیز فوق العاده نیست این را بفرمائید بحال خودش باشد.

رئیس - آقای باستانی

باستانی - این لایحه بعقیده بنده اگر آقای کازرونی توجه بنظریات آقایان نمایندگان و وجهه که نشان دادند میفرمودند مخالفت نمیکردند چون این لایحه نیست که مطالعات زیادی بخواهد و مفید بحال صادرات ما هم هست  
رئیس - موافقین با فوریت دو قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است و در کلیات مخالفی نیست  
(گفتند خیر)

رئیس - آقایانیکه تجویز میکنند وارد مواد شویم قیام فرمایند  
(غلب برخواستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول:  
ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات گندم و جو بخارجه از پرداخت یکم یکشاهی حقوق و یکم دوشاهی عوارض راه معاف خواهد بود  
رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - آقای وزیر امور خارجه توجه بکنند اینجانوشته است که بعد از گذشتن این قانون گندم و جو از عوارض گمرکی و عوارض راه معاف است عوارض گمرکی را بنده عقیده نداشتم که نسبت بصادرات داشته باشیم و گنن نمیکم که قانون هم باین اجازه داده باشد در قسمت راه بنده موافقم اما يك چیزی که خواستم بنده تقاضا کنم این است که خوب بود نوشته شود گندم و جو و عموم بقولات خودمان لیه مان و چیز های دیگر بقولات را مطلقاً خوب بود که آنها را تمام آزاد کنیم برای خارج کردن باقلا خیلی زیاد است و بنده اطلاع دارم که در ولایات خیلی مانده است تمام بقولات را باید آزاد کنیم نظر ما تسهیل کردن نسبت به کلیه صادرات است و باید همه بقولات عدس، ماش، نخود، لوبیا همه اینها را آزاد بکنند و هیچ اشکالی ندارد

کنیل وزارت اقتصاد ملی - بله اساساً آقایان حق دارند و آقایان دیگر هم هستند که در اجناس دیگر

این تقاضا را دارند ولی بنده در وزارت اقتصاد می این قسمت را مطالعه کرده بودم و در وزارت مالیه و دولت مشاوره کرده و جلب نظر آنها را کردم و حقاً اجازه داشتم که پیشنهاد کنم این چیزها را ولی برای سایر چیزها اگر آقایان نظر داشته باشند ممکن است طرحی تهیه کنند و پیشنهاد بفرمایند یا اینکه حلال تذکر بدهند که بنده بداشت کنم تا هیئت دولت و وزارت اقتصاد ملی مطالعه کنند و هر کدام آنها که لازم باشد به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم و تصدیق میفرمائید که مطلب جنبه ملی هم دارد و بنده اینجا بگفتم برای مثال است که از طرف وزارت مالیه و از طرف هیئت دولت این پیشنهادات را قبول کنیم

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده میخواهم پیشنهاد کنم که این لایحه از دستور این جلسه خارج بشود و جلسه روز پنجشنبه بسد شنبه مطرح شود و سایر جهوت هم ضمیمه شود و تصویب شود

رئیس - این نظر را مرقوم فرمائید. آقای کازرونی فرمایشی دارید؟

کازرونی - بنده مخالف هستم که از دستور خارج شود.

رئیس - این مطرح نیست چون پیشنهاد نکردند در خود ماده بفرمائید.

کازرونی - بنده لازم میدانم که يك تذکری به آقا بدم که خاطر الاهنشان برای همان بیاناتی که فرمودند و خیلی هم از آن توجهات دقیقه و عمیق که دولت راجع به صادرات مملکت و بالاخره راجع به اصلاحات امور دارند راستی راستی متشکرم يك قسمت های دیگر هم هست که راستی راستی از جو و گندم بیشتر است مثلاً يك گمرکی از کتیرا گرفته میشود فرق نمیکند

بنده اینها در يك ردیف و يك مرحله واقع است و راستی اگر خوب دقت کنید رفت آواراست که نسبت به يك قيم صادرات کند در داخله مملکت هیچگونه مصرف ندارد و باستانی از طرف دولت تمام تسهیلات و ترغیبات بجهت صادراتش بعمل بیاید در عوض دولت بر او جریمه میبندد بنده احساس را جریمه میگذارم و این جریمه بر میخورد بزرگکشی جامعه و دولت در مقادیر همین صدی چهار یا هزار که بعنوان گمرک میگیرد اگر بگیرد و بگفتمی دقت باشد صدی چهار زیادتر صادر میشود و در مقابل صدی چهار صدی چهار از جهری دیگر مستفاده میکنند و دولت بر این زمین صدی چهار صرف نظر نباید برای يك صدی چهار و امثال این خیلی زیاد است و استدعا میکنم از حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه که يك دقت بیشتری در این موضوع بکنند و بیشتر از امروز و پیش از پیش در این مسئله در هر دو طرف خوددین بکنند

کنیل وزارت اقتصاد ملی - در مقبول فرمایشات آقا برای بنده لازم است که يك تذکر لازم بهم و فرمایشات آقا هم صحیح است ولی باید همه طرف را در نظر بگیریم میفرمائید که صادرات را دولت جریمه میکند ملاحظه بفرمائید يك جنسی که در خارجه خرواری صد تومان بفروش میرسد اگر دولت از این خرواری صد تومان يك قران عوارض بگیرد و یا گمرک چه اثری دارد و چقدر فرق میکند بقدر يك قران میفرمائید که گران میشود خیر آن يك قران را آن کسانی که میخرند خواهند داد. (کازرونی - نیست اینطور) بله باید حق الامکان احتراز کرد از گذاشتن عوارض و گمرک بر صادرات ولی اگر آن عوارض و مالیات را تقسیم بکنند بر قیمت آن جنسی که در خارج بفروش میرود اگر خیلی گران بشود و بخرند البته بدتر است راجع به برداشتن گمرک از گندم که ما پیشنهاد کردیم يك تغییرات زیادی در قیمت میکند مثلاً



در کرماتشاه گنجه خرواری پنج تومان است و پانزده قران هم که از آن میگردیم صدی سی بر قیمت گنجه اضافه میشد و آن صدی سی برای گنجه تأثیر دارد ولی آن يك تومان که بر آن جنس خرواری صد تومانی که اضافه میشود چندان اهمیتی ندارد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول موافقین قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود : ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد

رئیس - مخالف نیست ؛ ( نمایندگان - خیر ) موافقین با ماده دوم قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات است مخالفی نیست . موافقین ورقه سفید خواهند داد

( اخذ و تعداد آراء بعمل آمده هفتاد و يك ورقه سفید تعداد شد )

رئیس - عده حاضرین ۷۸ با کثرت ۷۱ رأی تصویب شد

وزیر امور خارجه و کفیل وزارت اقتصاد ملی -

بعد از تشکر از آقایان نمایندگان محترم دو فقره پیشنهاد دیگر لایحه دیگر بنده پیشنهاد کرده ام و آن دو فقره دیگر هر کدام دو ماده سه ماده است و نمیتوانم از آقایان اینقدر تقاضای خود را زودتر بکنم که در این جلسه هم بشود و وقت هم دیر شده است ولیکن تقاضای بنده این است که بقبول فرمائید در جلسه آینده فوریتش را رأی بدهند و یا در خلال این دو جلسه کمیسیونها کار خودشان را بکنند که در جلسه آینده بتوانیم این دو لایحه را تمام کنیم

[ ۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - همانطوری که فرمودید وقت گذشته است و طبعاً بجلسه بعد خواهد افتاد و از این فاصله هم استفاده میکنیم و کار را در معرض مطالعه میگذاریم و کمیسیون بودجه هم آماده است و برای جلسه آینده که سیزدهم شهریور است همین لوایح حاضر است برای ما و انجام میدهم . اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه آینده پنجشنبه سیزدهم شهریور و دستور بقیه لوایح پیشنهادی

( مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - داد گور

قانون

اجازه تأسیس بانک فلاحی

ماده ۱ - وزارت مالیه مجاز است از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحی بانک ملی تأدیه نماید

ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن باریاب فلاحی باسمه شعبه فلاحی تأسیس خواهد شد

محاسبات شعبه مذکوره جدا گانه و مستقل از سایر محاسبات بانک ملی خواهد بود

ماده ۳ - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکوره در فوق بندازده توسعه یابد که تبدیل آن بیک بانک مستقل مقتضی شود اداره بانک ملی باموافقت هیئت نظارت بانک و تصویب هیئت دولت باین امر اقدام خواهد کرد

ماده ۴ - شعبه فلاحی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل :

۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه ( تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود )

۲ - برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحویل محصولات چای - پنبه - نیل - چغندر - روغن - ابریشم - کنف - نی شکر - توتون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک استقراض کننده در آنجا واقع است نافع بداند

ماده ۵ - حق العمل قرضهائیکه برای مقاصد فوق داده میشود از صدی چهار نباید تجاوز کند و منافع مزبور باید به اصل سرمایه اختصاصی شعبه فلاحی افزوده شود بانک فقط مجاز خواهد بود مخارجی که برای اداره کردن شعبه فلاحی ضرورت دارد برداشت کند - مبلغی که بعنوان ذخیره احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی باید تخصیص داد نیز جزو مخارج اداری محسوب خواهد شد

تبصره - در صورتیکه برای مخارج مذکوره در فوق صدی چهار کافی نباشد بانک مجاز است حق العمل را تا صدی شش بالا ببرد

ماده ۶ - قرضهائی که برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد و بر طبق قرار داد هائیکه بین بانک و استقراض کنندگان منعقد و در ثبت اسناد ثبت می شود

ماده ۷ - مبلغ قرض از پنجاه در صد قیمتی که خبره های بانک برای ملک معین مینمایند نباید تجاوز نماید

ماده ۸ - نسبت بقرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود .

مذکورین در هر موقع میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزءً یا کلاً بپردازند در اینصورت آنچه از اصل که قبلاً تأدیه میشود برای مدت باقیمانده از تأدیه منافع معین در قرار داد معاف خواهد بود

آقایان : آقا بان : دشتی - کازرونی - روز محسن - دهستانی - شریفی - فاضلی نوری - بالازی - نجومی - مسودی - نوبخت - ذوالقدر - آقا سید کاظم یزدی - امیر تیمور - ماکزاده - الفت - حکمت - فهیمی - قوام - خواجوی - کفائی - ظفری - مفتی - ملک مدنی - وهاب زاده - محمد ضیائی - اسدی - عراقی - هراتیان ساکنیان - مؤید احمدی - امیر دولتشاهی - آقا زاده سبزواری - جلایی - حبیبی - لاریجانی - اعتبار - فرزند - فولادوند - آشتیانی - رحیم زاده - حاج غلامحسین ملک - محمد آخوند - دکتر اقبال - محمدعلی میرزا دولتشاهی - ضامن - موفقی - طباطبائی وکیلی - ناصری - ضیاء - ظهرائی - احتشامزاده - آقا سید یعقوب - عباس میرزا فرمانفرمائیان - کیا نوری - بیات - آقا سید مرتضی وثوق - حاج سید محمود - میرزا عبدالحمید خان دیبا - آیه الله زاده شبرازی - یاسائی - درانی - بشکدار - اسعد - آقا حسین آقایان - شریعت زاده - هزار جریبی - هراز - دکتر عظیمی - بزرگ نیا - حاج آقا حسین رهبری - مولوی - طباطبائی دیا



ماده ۹ - مدت قرض از ده سال نباید تجاوز کند ولی رئیس بانک میتواند با اجازه شورای اداری مدت بیشتری معین نماید و این فقط در صورتی است که برای حصول مقبوضی که از استقراض بر طبق ماده (۴) در نظر گرفته شده بیش از ده سال مدت لازم باشد

ماده ۱۰ - در تمام قرار داد هایی که بانک بر طبق این قانون منعقد می نماید باید مسائل ذیل تصریح شود

۱ - منظور از استقراض که باید با مقررات ماده (۴) تطبیق نماید

۲ - مبلغ و مدت قرض

۳ - مبلغی که از استقراض کسب شده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد

نصربه - سواد مصدق ورقه مالکیت بضمیمه يك نسخه از قرار داد باید در بانک ضبط شود

ماده ۱۱ - در قرار داد استقراض که بین بانک و استقراض کننده منعقد میشود تعهدات ذیل از طرف استقراض کننده باید تصریح شود

الف - هر گاه در موعد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سالانه یا قسط استهلاك تأدیه نماید بپردازد بانک حق دارد به مدیون اخطار نماید که اگر در ظرف یکماه منافع یا قسط مقرر پرداخت نشد دین مؤجل او حل شده و کلیه وجه استقراضی و منافع فوراً قبل از پرداخت میشود و در اینصورت چنانچه در ظرف شش ماه از تاریخ وصول اخطار نامه سفارشی بانک مدیون کلیه دین خود را پرداخت بانک از طرف مالک وکالت دارد ملک یا قسمتی از آنرا که موضوع وثیقه است بطور مزایده بفروش رسانیده مطابق مقررات قانونی طلب خود را استیفاء نماید

ب - اگر در انقضاء موعد سر میده استقراضی یا قسمتی از آن یا هر نوع بدهی خود را که ناشی از استقراض است تأدیه نکند چنانچه در ظرف یکماه از تاریخ دریافت اخطار نامه سفارشی بانک دین خود را اداء نماید بانک وکالت دارد معادل طلب خود از ملک مورد وثیقه بطور مزایده بفروش رسانند

ج - تمامه مخارج ناشی از تخیر در پرداخت دین و یا از فروش املاک بعهده استقراض کننده خواهد بود بابت مخارج مذکوره و یا بابت اصل سرمایه و یا هر دینی که در نتیجه استقراض بعهده استقراض کننده باشد بانک در استیفای طلب خود بر سایر طلبکارانی که وثیقه مخصوصی ندارند (باستثنای دولت نسبت بپرداخت عوارض و مالیات) حق تقدم خواهد داشت

د - هر گاه در طی مدت استقراض قیمت ملک موضوع وثیقه ۲۰ در ۱۰۰ از ضعف مبلغ استقراضی تنزل نماید بانک حق خواهد داشت اضافه مبلغ قرض را نقدا مطالبه و دریافت کند و با اینکه وثیقه دیگری بخواند و در صورت امتناع استقراض کننده و یا عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانک میتواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندهد تقویم خیره های بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است

ه - هر گاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراض اعلام شده مصرف نشده باشد قرار داد استقراضی ضمناً ملغی میشود و بانک بوسیله مراسله سفارشی تأدیه کل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشارالیه در ظرف ششماه دین خود را اداء نماید بانک بفروش ملک ملی که به عنوان وثیقه در دست دارد اقدام خواهد نمود

در مورد این فقره حق العمل از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد

ماده ۱۲ - هر گاه استقراض کننده مدعی شود که مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استقراضی را برای انجام منظوری که در ضمن قرار داد اعلام کرده بمصرف رسانده و یا مدعی باشد که تخلف او بعلمت فرس مآزر بوده است موضوع اختلاف به حکمیت ارجاع میشود - حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق تعیین شود و در اینصورت بانک نیز حکم خود را در ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون معین خواهد کرد

حکما باید در ظرف دو ماه رای خود را اعلام نمایند. مدت حکمیت مذکور است بنظر حکمها یکدفعه تمدید یابد. مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد

چنانچه حکمها در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب نمایند و رأی او قاطع اختلاف خواهد بود

در صورتیکه در انتخاب حکم ثالث بین حکمیت توافق حاصل نشود حکم مزبور از بین شش نفری که در ابتدای تشکیل جلسه حکمیت (سه نفر از طرف بانک و سه نفر از طرف حکم استقراض کننده تعیین شده اند) بوسیله قرعه انتخاب خواهد شد

حکم ثالث باید در ظرف یکماه تصمیم خود را اعلام نماید

مخارج حکمیت بعهده تقاضا کننده حکمیت خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف خواهی در این خصوص اتخاذ شود

در هر حال محکوم له حق ادعای خسارت وارده بر خود را از محکوم علیه خواهد داشت تعیین میزان خسارت بسته بنظر هیئت حکمیت است

حق دعوی خسارت یکماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در اصل دعوی ساقط خواهد شد

ماده ۱۳ - موافقت یا عده موافقت با تقاضای قرض بختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقراض بانک مکلف باقائه هیچ دلیلی نخواهد بود

ماده ۱۴ - شعبه بانک فلاحی مجاز است برای بستن سدهای مفید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکوره در ماده (۴) و ایجاد صنایع مفیده فلاحی شرکتی سهامی تشکیل داده نماید یا قسمتی از سرمایه آنرا بپردازد اقدامات مذکوره در این ماده مشروط بتصویب قبلی وزارت اقتصاد ملی است

ماده ۱۵ - بیان سالانه شعبه بانک فلاحی باید همه ساله تهیه و منتشر شود

ماده ۱۶ - اینقانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

این قانون که مشتمل بر ۱۶ ماده است در جلسه ۹ شهریور ماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر



## قانون

معافیت صادرات گندم و جو از پرداخت حقوق خروجی و عوارض راه

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات گندم و جو ایران بجز از پرداخت یکمن یکشاهی حقوق خروجی و یک من دو شاهی عوارض راه معاف خواهد بود .

ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه نهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

www.iran-archive.com